



## نجف در عصر شاه عباس اول صفوی

مریم کاظمی\*

### چکیده

مسلمانان به‌ویژه شیعیان در درازنای تاریخ همواره به مکان‌های مقدس عراق به‌ویژه نجف اشرف توجه می‌کرده‌اند. پادشاهان بزرگ زمان نیز این مسئله را می‌دانستند و ناگزیر سیاست مذهبی ویژه‌ای را درباره این مکان‌های متبرک دنبال می‌کردند؛ به‌ویژه درباره نجف که نزد همه مسلمانان محترم بود و هر فاتحی با هر مذهب و سیاستی به خاک عراق گام می‌نهاد، درباره این شهر کارهای ویژه‌ای سامان می‌دادند. این جستار، جایگاه مذهبی و سیاسی نجف را در روزگار پادشاهی شاه عباس اول و تأثیرش را در دعواها و رقابت‌های دولت صفوی و عثمانی برمی‌رسد و به تأثیر اقتصادی، کارهای عمرانی، تبلیغات مذهبی، موقوفات نجف و ... می‌پردازد تا جایگاه این شهر و «عتبه» مطهر حضرت علی علیه السلام در این دوره آشکار شود.

### کلید واژگان

نجف اشرف، عتبات، صفویه، عثمانی، عراق عرب، بغداد.

\* کارشناس ارشد تاریخ ایران دوره اسلامی.

## درآمد

هنگامی که شاه اسماعیل اول صفوی، حکومت سلسله صفویان را بنیاد گذارد و تشیع در ایران رسمی شد، روابط کشور با امپراطوری عثمانی تیره شد، اهمیت عتبات از دید سیاسی فزونی گرفت و هریک از دو خصم کوشیدند که با توجه به عتبات، به گونه‌ای از آن بهره گیرند. شاه اسماعیل اول از آغاز قدرت یافتنش برای رسیدن به هدف‌های مذهبی و سیاسی خود و استوار کردن پایه‌های حکومتش، به عتبات چشم داشت و بهانه و فرصتی مناسب برای تصرف آن می‌جست. او سرانجام در ۹۱۴ قمری (۱۵۰۸ م) در گشودن آن توفیق یافت.

نفوذ و اعتبار شهرهای مذهبی عراق برای حکومت صفوی وضع خوبی فراهم آورد. این شاه شیعه، بی‌درنگ به زیارت آرام‌گاه امامان کنار فرات شتافت و با تشریفات مذهبی ویژه‌ای به حرم امیرالمؤمنین علیه السلام رفت و زمانی در آنجا معتکف شد. حتی برخی از منابع عصر صفوی از سخن گفتن او با حضرت علی علیه السلام سخن گفته‌اند تا او را «نظر کرده» ائمه اطهار بنامند.<sup>۱</sup>

اما تنها یک دهه پس از درگذشت شاه اسماعیل اول (۹۳۰ ق / ۱۵۲۴ م)، سلطان سلیمان امپراطور قدرت‌مند عثمانی موفق شد سراسر عراق عرب را باز پس گیرد. سلطان سلیمان پس از رفتن به بغداد (۹۴۱ ق / ۱۵۳۴ م)، با نمایش خشوع و خضوع فراوانی در برابر آرام‌گاه حضرت علی علیه السلام، عتبه مطهر آن امام را در نجف زیارت کرد. تمسک سلطان سلیمان به مذهب، از دیگر شاهان صفوی کمتر نبود و عراق عرب و به دنبال آن همه عتبات از این پس، از آن دولت عثمانی شد و عراق در دوره بلندی بر پایه فرمان‌ها و احکام باب عالی اداره می‌شد.<sup>۲</sup>

۱. بی‌نا، عالم آرای شاه اسماعیل، ص ۱۶۸ - ۱۶۶.

۲. عباس العزاوی، تاریخ العراق بین احتلالین، ج ۴، ص ۲۹؛ استیون همزلی لانگریک، تاریخ سیاسی و اجتماعی و اقتصادی عراق ۱۹۰۰ - ۱۵۰۰، ص ۵۲؛ حسن العلوی، شیعه و حکومت در عراق، ص ۵۱ - ۵۰.





شاه عباس اول نیز که در آغاز پادشاهی خود با دو خطر خارجی در شرق و غرب کشور و شورش‌های داخلی روبه‌رو بود، بر آن شد که با عثمانی صلح کند.<sup>۱</sup> امپراطوری عثمانی در آغاز قرن یازدهم هجری به ضعف و مشکلات داخلی دچار شد و شاه عباس که همواره در پی باز پس گیری قلمرو نیاکان خود و زمان مناسبی برای تصرف آن‌جا بود، پیش‌روی خود را در غرب آغاز کرد. صلح استانبول دوم (۱۰۲۹ ق / ۱۶۱۹ م) به این جنگ‌ها پایان داد.<sup>۲</sup> شاه عباس بر پایه این صلح که تا (۱۰۳۲ ق / ۱۶۲۳ م) برقرار بود، به ظاهر با دولت عثمانی روابط دوستانه‌ای برقرار کرد و به بهانه زیارت عتبات عالیات به بغداد رفت.<sup>۳</sup>

### نجف در تصرف ایران

شاه عباس اول تا ۱۰۳۲ قمری (۱۶۲۳ م) به عهدنامه‌اش با دولت عثمانی وفادار بود و در حفظ اصول آن می‌کوشید، اما به دنبال کشته شدن سلطان عثمانی و آشفتگی باب عالی و پیدایی هرج و مرج و شورش در عراق، او که هرگز بغداد را فراموش نکرده بود و همواره آن را میراث نیاکان خود می‌شمرد، به انگیزه فتح بغداد به راه افتاد. وجود عتبات عالیات در خاک عراق، همیشه بهانه‌ای برای تصرف عراق فراهم می‌آورد و هزاران ایرانی را برای زیارت آن‌جا برمی‌انگیخت و درد و رنج شیعیان عراق که سبب گریختن بسیاری از شیعیان به ایران و توسل و تمسک آنان به شاه عباس شده بود، از چشم شاه پنهان نمی‌ماند؛ چنان‌که حتی اروپاییان و سفیران غربی اوضاع موجود را در می‌یافتند و شاه را به اعلام جنگ با عثمانی و بهره‌گیری از آن اوضاع به نفع خود و به زیان سلطان ترک فرامی‌خواندند. آنان به شاه می‌گفتند: می‌توانی با استفاده از جایگاه خود که با غفلت از آن شاید دیگر فراچنگ نیاید، آن بخش‌هایی را از سرزمین ایران (از آشور تا بین‌النهرین) که عثمانی از پدر بزرگت شاه طهماسب گرفته است، دوباره به خاک ایران بازگردانی.<sup>۴</sup>

۱. یوزف فون هامر پورگشتال، تاریخ امپراطوری عثمانی، ج ۲، ص ۱۵۶۴ - ۱۵۶۷.

۲. اسماعیل اوزون چارشلی، تاریخ عثمانی، ج ۳، ص ۷۸ - ۷۷.

۳. اسکندر بیک ترکمان، تاریخ عالم آرای عباسی، ج ۳، ص ۹۹۸.

۴. دوسیلو افیگوئروا، سفرنامه، ص ۳۶۶.



شاه عباس به‌رغم بی‌زاری‌اش از بازآغازی جنگ با عثمانی، هنگامی که حاکم شورش‌ی بغداد او را پادشاه قانونی عراق نامید و به نام او خطبه خواند و سکه زد، زمان را بیهوده صرف نکرد و بی‌درنگ عراق را ایالتی از سرزمین ایران دانست و هر مبارزه‌ای را برای گرفتن آن‌جا، اعلان جنگ با شاهنشاه ایران خواند و برای سفر به انگیزه زیارت عتبات عالیات آماده شد. دولت عثمانی در ۱۰۲۵ قمری (۱۶۱۵ م) وزیر ی به نام یوسف پاشا را به عراق فرستاد، اما ناتوانی‌های او سبب آزرده‌گی و ناخرسندی مردم شد. هم‌زمان کسی به نام محمدقنبر که آقای ینی چریان بغداد بود و بکرسوباشی، رئیس شهربانی که از بزرگان و آقایان معتبر بود با یک‌دیگر متحد شدند و بر همه کارهای عراق چیره شدند و در برابر هیچ پاشایی کرنش نمی‌کردند. بکرسوباشی آرام آرام اختیار و قدرت بیش‌تری یافت و از این‌رو، میان آنان دشمنی پدید آمد، اما بکرسوباشی در چنگ با رقیبش پیروز شد و او را از میان برداشت. سپس شورش کرد و یوسف پاشا نیز در این‌گیرودار کشته و بنابراین، بکرسوباشی حاکم مطلق عراق عرب شد و می‌خواست مستقل بر عراق حکومت کند.<sup>۱</sup>

دربار عثمانی حکومت بکرسوباشی را بر عراق نپذیرفت و از این‌رو، حافظ احمد پاشا والی دیار بکر را به دفع او فرمان داد و سلیمان پاشا نامی را به حکومت بغداد منصوب و همراه او بدان‌جا روانه کرد. بکرسوباشی که نمی‌توانست در برابر سپاه عثمانی بایستد، پس از شکست از آن به شاه صفوی متوسل شد و گفت:

این امور از روی اخلاص حضرت شاه عالم پناه از من صدور یافته من بعد دست ارادت در فتراک بندگی آن آستان زده به حمایت منسوبان آن درگاه مستظهر و امیدوارم و ملک بغداد را که موروثی آن حضرت است، به جهت آن حضرت نگاه داشته‌ام.<sup>۲</sup>

خطبه و سکه به نام شاه شد و او که منتظر چنین فرصتی بود و عراق را در این اوضاع لقمه‌ای گوارا می‌پنداشت و می‌خواست بدون خون‌ریزی آن‌جا را بگیرد، درخواست بکرسو

۱. اسکندر بیگ ترکمان، همان، ج ۳، ص ۹۸۷ - ۹۸۶.

۲. همان، ص ۹۸۷.



باشی را پذیرفت و صفی قلی خان، حاکم همدان را به یاری او فرستاد. حافظ احمد باشا که از ماجرا آگاه شد، بغداد را ترک کرد؛ زیرا به مکر بکر سواشی پی برده بود و نمی‌خواست با شاه ایران بجنگد، اما هنگام رفتن از «جانب باب عالی» حکومت بغداد را به بکرسو باشی واگذار و او را به ضبط و حفظ قلمرو عراق در برابر شاه صفوی برانگیخت. بنابراین، سپاه صفوی سبب رهایی بکرسو باشی شد و او به آرزوی دیرین خود (حکومت بر عراق) دست یافت، اما شاه بزرگ در راه بود و می‌خواست به‌زودی عتبات را زیارت کند.<sup>۱</sup>

شاه عباس که از آغاز پادشاهی‌اش، خود را «کلب آستان علی» نامیده بود، با توجه به اوضاع آشفته عراق و آشفتگی احوال مردمان مکان‌های مقدس عراق، به بهانه زیارت آستان مطهر امام علی علیه السلام در نجف و دیگران امامان به قصد فتح عراق به راه افتاد:

در حینی که عزیمت قشلاق مازندران فرموده متوجه آن صوب بودند، به الهام ملهم اقبال و اشاره غیبی فسخ عزیمت مازندران فرموده، به قصد زیارت روضه مطهر شاهنشاه خطه نجف و حضرات مقدسات ائمه کرام (سلام الله علیه و علیهم السلام) که همیشه مرکوز خاطر و مکنون ضمیر انور بود بسفر خیر اثر بغداد متوجه گردیدند.<sup>۲</sup>

جارجیان ندا دادند که هر کس قصد زیارت عتبات دارد، به موکب شاهی بپیوندد، اما بکرسو باشی به پیروی و اطاعت از شاه نپرداخت و عهد خود را شکست و این بار در برابر پیش‌روی سپاه شاه از باب عالی کمک خواست. شاه از پیمان‌شکنی بکر سواشی خشمگین و در ۱۰۳۲ قمری (۱۶۲۳ م) بغداد را محاصره کرد و به بکرسواشی سه روز زمان داد تا تسلیم شود یا پس از این، برای جنگیدن آماده باشد.

سه ماه از محاصره بغداد گذشت، اما در این دوره کمکی از دولت عثمانی به آنان نرسید و قحطی و گرسنگی اوضاع مردم را تحمل‌ناپذیر کرد. سرانجام بر اثر خیانت محمد آقا پسر بکرسواشی، دروازه شهر باز و یک‌شنبه ۲۳ ربیع الاول ۱۰۳۲، دارالسلام بغداد گشوده شد.<sup>۳</sup>

۱. همان، ص ۹۹۷ - ۹۹۶.

۲. همان، ص ۹۹۸.

۳. همان، ص ۱۰۰۳ - ۹۹۸؛ عباس‌الغزالی، همان، ج ۴، ص ۱۷۶ - ۱۷۵.

## جایگاه مذهبی - سیاسی نجف

با ورود موکب شاه عباس اول به بغداد، شیعیان و درماندگان از آن استقبال کردند و جمعه ۲۸ ربیع الاول در مسجد جامع شهر، خطبه دوازده امام به نام شاه خوانده شد. شاه عباس به مردم شهر امان داد، اما خشم و نفرت مذهبی او از اهل سنت بسیار بود و می‌خواست عراق را به سرزمین یک‌دست شیعه بدل کند و آن را به بخشی جدانشدنی از قلمرو خود درآورد و از این‌رو، بسیاری از اهل سنت کشته شدند.<sup>۱</sup>

سپس شاه حکومت بغداد را به صفی قلیخان، حاکم همدان سپرد و یک ماه برای نظم و نسق بخشیدن به کارهای آن ولایت در آن‌جا ماند. شاه عباس که از آغاز به انگیزه زیارت آستان امیرالمؤمنین علی علیه السلام اصفهان را ترک کرده و عشق و علاقه‌اش به آن حضرت پرآوازه بود، پس از سامان گرفتن کارهای بغداد به خطه نجف اشرف روی آورد. دیدار او از آستان مطهر امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ با شکوه و بی‌مانند است و مورخان عصر صفوی در این‌باره بسیار نوشته‌اند:

[شاه در یک منزلی حرم از اسب پیاده می‌شود و] با جهان شوق و عالم عالم اخلاص پیاده قدم در راه نهاده در کمال ذوق و وفور شوق، طی مسافت نموده به شرف خاک‌بوسی آن عتبه علیه مشرف گشتند و تا ده روز در آن سده سنیّه به مراسم دعا و زیارت اقدام نموده، به خدمت جاروب‌کشی آن روضه بهشت آسا مشغولی داشتند و به نظم و نسق آن سرکار فیض آثار قیام نموده ...<sup>۲</sup>

شاه ده روز در نجف خضوع و خشوع بی‌اندازه خود را در برابر آن حضرت آشکار و زمان و هزینه بسیاری برای عتبه مقدس او صرف کرد و به بازسازی نهر آبی پرداخت که شاه اسماعیل آن را کنده و بر اثر غفلت خشک شده بود. او آب را تا مسجد کوفه رساند و

۱. عباس العزاوی، همان، ص ۱۸۰؛ علی الوردی، *لحمات الاجتماعیه من تاریخ العراق*، ج ۱، ص ۷۰؛ علی ظریف الاعظمی، *کارنامه دولت‌های ایرانی در عراق*، ص ۱۶۴؛ حسن العلوی، *شیعه و حکومت در عراق*، ص ۵۲. گفتنی است پیتر دلاواله نیز در *سفرنامه* خود به نگرانی شاه عباس از مذهب اهل سنت در بغداد و ایجاد مشکل در حفظ این سرزمین اشاره می‌کند. برای آگاهی بیش‌تر در این‌باره، ر.ک: پیتر دلاواله، *سفرنامه*، ج ۵، ص ۲۲۵.  
۲. اسکندربیک ترکمان، همان، ص ۱۰۵.





فرمان داد تا برکه‌ها و پایاب‌هایی برای آب برداشتن پدید آید تا ساکنان و زائران امیرالمؤمنین از آب شیرین بهره ببرند<sup>۱</sup> او «جمیع خدمه و مجاورین روضه مقدسه و کل مستحقین و عورات و ضعفا خطه نجف را علی قدر مراتبهم، بادرارات و نذور و صدقات نوازش فرموده و از آنجا احرام حریم ارض مقدس کربلا حائر مطهر حضرت شاه شهید اثاث ائمه الهدی خامس آل عبا بسته، متوجه طواف آن روضه ملائک مطاف شدند<sup>۲</sup>».

مردمان شهرهای مقدس در این اوضاع، بیش از هر زمان دیگری به شاه متعهد و وفادار بودند و پادگان‌های ایرانی را پذیرفتند. ساروسلطان بیگدلی، برادر زینل بیگ توشمال باشی، به سرپرستی مشاهد مقدسه عراق و حکومت حله منصوب و در جایگاه قورچی باشیگری قورچیان، فرمان‌روای پانصد قورچی شد. البته شاه پس از بازگشت به ایران زینل بیگ را به سبب ناتوانایی‌اش در حفظ حله و نجف عزل کرد و صفی قلی خان، حاکم بغداد سرپرستی آن مکان‌های مقدس را برعهده گرفت. شاه عباس برای بهبود بخشیدن به وضع اقتصادی شهر و شیعیان و بازگرداندن رونق کسب و کار به شهرهای مقدس عراق، پس از مدت‌ها جنگ و رکود اقتصادی سخت، زائران را به زیارت عتبات تشویق کرد و از همین روی، راه‌ها و کاروان‌سراها بازسازی شدند. به فرمان شاه عباس، حکومت در شهرهای مقدس عراق با تولید اماکن مقدس آمیخته شد. هدف او این بود که در چنین منطقه‌هایی بتوانند قانون‌های مذهبی را تضمین کنند<sup>۳</sup>. شاه عباس پس از بازگشت به بغداد و زیارت اعتاب مقدس کاظمین و سامرا (علیهم السلام) به ایران بازگشت.

### جایگاه نجف در رویارویی نظامی عثمانی و شاه عباس اول

هنگامی که شاه عباس اول عراق عرب را تصرف کرد (۱۰۳۲ ق / ۱۶۳۲م)، مبارزه نظامی با دولت عثمانی دوباره آغاز شد و دربار عثمانی حافظ احمدپاشا را به پس گرفتن

۱. محمدحسن مصطفی کلید دار، *مدینه الحسین*، ج ۱، ص ۳۸.

۲. اسکندربیک ترکمان، همان.

۳. رهر برن، *نظام ایالات دوره صفویه*، ص ۱۰۷.



بغداد از او فرمان داد (۱۰۳۳ ق / ۱۶۲۴ م). او سپاه بزرگی در دیار بکر فراهم آورد و بغداد را محاصره کرد و همزمان به برانگیختن عربان و اهل سنت جاهای گوناگون عراق پرداخت. شاه عباس که همزمان به دفع شورش در گرجستان سرگرم بود، با آگاهی از اوضاع عراق کوشید که مانع رسیدن آذوقه و سازوبرگ به اردوی سپاهیان عثمانی شود. او همچنین تلاش کرد که به شیوه دیپلماتیک، راه حلی مسالمت‌جویانه بیاید و بر اوضاع عراق چیره شود. از این‌رو، نامه دوستانه‌ای به حافظ احمد پاشا، فرمانده عثمانی نوشت و آنان را به آرامش فراخواند:

او حتی «مکتوبی در باب تعزیت سلطان عثمان و تهنیت جلوس سلطان مراد (چهارم) نوشته، اظهار کردند که بغداد اجاق قدیمی است و متوجه قشلاق مازندران شدند.<sup>۱</sup>» سردار ترک که می‌دانست شاه بغداد را به آنان نمی‌سپارد و تنها می‌خواهد آنان را در جنگی فرسایشی خسته کند، در پاسخ نامه او نوشت: «پاسخ سلطان این است: شاه به زیارت امام علی آمده‌اند. ما هم شیخ صفی را زیارت می‌کنیم.<sup>۲</sup>»

همزمان گروهی از کردها و عربان متعصب به پشتیبانی و برانگیختن شیخ‌های عرب و سران ترک به حله و نجف رفتند و این شهرها را غارت و مردمانشان را کشتند. میان آنان و سارو سلطان بیگدلی، قورچی‌باشی نجف، جنگ‌های سختی در گرفت که به گمان قوی، ناتوانی سارو سلطان در دفاع از نجف سبب خشم شاه عباس و عزل وی از مقامش شد.

با رسیدن زینل بیگ تو شمال باشی، سردار صفوی (۱۰۳۶ ق / ۱۶۳۶ م) آرامش بازگشت و همزمان زینل بیگ، پیام به ظاهر دوستانه و صلح‌طلبانه شاه را نیز به سران سپاه عثمانی رساند. در این پیام قصد و هدف شاه عباس از فتح بغداد آشکارا آمده است:

بغداد ملک موروث همایون ماست و از ید تصرف متغلبه و جمعی که با آل عثمان یاغی و طاغی بودند، گرفته دفع آن گروه یاغی کردیم. اولی این بود که نیک‌خواهان سلسله آل عثمان ملک موروث این خاندان را به ما مسلم داشته، مناقشه نمایند که

۱. کمال منجم، تاریخ ملاکمال، ص ۷۶.

۲. اوزون چارشی لی، تاریخ امپراطوری عثمانی، ج ۳، ص ۱۸۶.





رابطه مصالحه و دوستی که فیما بین واقع بود، استحکامی تازه یابد و از این طرف نیز کماکان شرایط موافقت و دوستی به ظهور آید و چون حضرت خواندگار «خادم الحرمین» اند، خدمت روضات مقدسات ائمه کرام بغداد که آباء و اجداد همایون مایند، به ما انساب داشته باز گذارند.<sup>۱</sup>

سردار ترک به پی گرفتن جنگ ناگزیر و از این رو، زمان محاصره بغداد دراز شد و از رفت و آمد سفیران و کوشش های فراوان و پیش بینی های سپاه عثمانی برای گشودن بغداد، حاصلی فراچنگ نیامد. شورش ها و آشوب هایی که به انگیزش آنان در جاهای گوناگون پدید می آمد، به سرعت و سختی سرکوب می شدند. شاه صفوی از نزدیک بر ماجرای منازعات نظارت می کرد و صفی قلی خان، حاکم بغداد فردی با تجربه و به فنون جنگ های فرسایشی آگاه و به شاه وفادار بود.

سرانجام به درخواست شاه، عثمانی گروهی را برای مذاکرات صلح فرستاد که به توافقاتی نیز دست یافت. سفیر شاه در ملاقات با سران ترک پذیرفت که از بغداد به نفع ترکان دست بردارد؛ به شرط اینکه نجف به ایران واگذار شود. باب عالی که به حيله و تدبیر شاه پی برده بود، بسیار قاطعانه به این درخواست پاسخ داد: «که هر سنگ نجف با جان هزار انسان برابر است؛ نجف جز پاسدار خانه بغداد چیز دیگری نیست».<sup>۲</sup>

شاید این درخواست نشان دهنده عشق و علاقه شاه عباس اول به آستانه امیرالمؤمنین علیه السلام در نجف باشد به ویژه اینکه وی در این دوره نزدیک به شصت سال داشت و بی انگیزه نبود که آرامگاه جاودانش در این آستانه پاکیزه پدید آید، اما به هر روی او این توسل و تمسک مذهبی را به وسیله ای سیاسی برای نگاهداری سراسر عراق بدل ساخت؛<sup>۳</sup> یعنی این شرط جز حيله و بازی سیاسی چیزی نبود و شاه عباس هیچ گاه دارالسلام بغداد

۱. اسکندربیک ترکمان، همان، ص ۱۰۴۵.

۲. استیون همزلی لانگریک، همان، ص ۱۱۲-۱۱۱.

۳. محمد هاشم خراسانی، *منتخب التواریخ*، ص ۱۷۶؛ جعفر هادی الدجیلی، *موسوعه النجف الاشرف*، ج ۱، ص ۱۳۶. این مورخان آرامگاه شاه عباس اول را در نجف اشرف «در رواق مطهر حضرت امیر علیه السلام تحت قبه عتبه مقدسه درب حرم مطهر سمت پایین پای مبارک ...» می دانند.



را پس از آن جنگ‌ها و کشتارها و دفاع‌های سرسختانه، به آسانی به رقیب خود نمی‌سپرد، بلکه می‌خواست با وقت‌گذرانی و تظاهر مذهبی، بحران و ضعفی روحی در سپاه عثمانی پدید آورد. سرانجام حاصلی از این مذاکرات به دست نیامد، اما اندیشه و تدبیر سیاسی شاه ثمر داد و تیرش به هدف خورد. محاصره بلند و خستگی و گرسنگی، کار سپاه ترک را ساخت و آنان سر به شورش برداشتند و سردار خود را اسیر و زندانی کردند. سپاه عثمانی پس از نه ماه محاصره بغداد، در ۱۰۳۶ (۱۶۲۶م) عقب نشست و ناگزیر به مصالحه‌ای تن داد که بر پایه‌اش بغداد به خاک ایران پیوست. این مصالحه یا ترک جنگ، تا هنگامی که شاه عباس در قیدحیات بود عمر کرد، اما پس از مرگ او (۲۴ جمادی‌الاول ۱۰۳۸ ق / ۱۶۲۹ م) دولت عثمانی بی‌درنگ آن را زیر پای گذارد.<sup>۱</sup>

### گسترش و آبادانی نجف

با ورود پیروزمندانه شاه عباس اول به عراق عرب، گسترش و آبادانی عتبات که با آمدن شاه اسماعیل اول بدان‌جا (۹۱۴ ق / ۱۵۰۸ م) آغاز شده بود، به اوج خود رسید. علاقه بسیار شاه عباس به امیرالمؤمنین علی علیه السلام و آستان آن حضرت در نجف اشرف و جایگاه جغرافیایی و اجتماعی این شهر مقدس که به ایران نزدیک بود و بیش‌تر مردمانش شیعه و دارای پیوندهای کهن با ایرانیان بودند و از سوی دیگر، جایگاه مذهبی و سیاسی آن نزد شاه عباس اول که توجه دیگران را نیز به این عتبه مطهر برمی‌انگیخت، موجب شد که این شهر در آن زمان و به همت وی بنیاد شود و هم‌اکنون نیز در سراسر نجف اثر و نشانه‌ای از این شاه صفوی دیده می‌شود و بنای نزد مردم این شهر به شاه عباس اول منسوب است.<sup>۲</sup>

۱. نصر... فلسفی، *زندگانی شاه عباس اول*، ج ۵، ص ۱۲۱ - ۱۱۸؛ عبدالرضا هوشنگ مهدوی، *تاریخ روابط خارجی ایران*، ج ۱، ص ۱۰۲. برای آگاهی بیش‌تر درباره اوضاع حاکم بر عراق عرب به‌ویژه عتبات عالیات پس از مرگ شاه عباس اول، ر.ک: اسکندر بیک ترکمان، *ذیل تاریخ عالم آرای عباسی*، ص ۵۶ - ۵۳ و محمد معصوم خواجگی اصفهانی، *خلاصه السیر*، ص ۱۰۷ - ۱۰۳.

۲. سعاد ماهر، *مشهد الامام علی فی النجف و ما به فی الهدایا و النجف*، ص ۱۳۶.



شیخ بهایی، بزرگ‌ترین دانش‌مند و مهندس زمان شاه عباس، به طراحی و نظارت بر ساخت این عتبه موظف شد و این کار بسیار نیکو به سامان رساند. حرم مطهر در این طرح مانند نگینی دورن صحن جای گرفت و پیرامون آن رواقی با عرض دوازده زراع و پیرامون رواق، حجره‌هایی ساخته و درهای بسیار نفیس مزین به خاتم‌کاری، بر آنها نصب شد. هم‌چنین قُبه حرم را بازسازی کردند و آن را با کاشی «زمردی منقوش» آراستند و در چهار سوی دورن آن چهار ایوان شاه‌نشین پدید آوردند. در قدیم حرم برداشته شد و در جایش دری از نقره نشست. به گمان، این همان در چوبی کهن است که به فرمان شاه عباس به اصفهان برده شد و آن را «زیب پیکر عمارت عالی قاپو قراردادند»<sup>۱</sup>.

افزون بر اینها، در ایوان حرم ساختند مناره بزرگی سمت چپ و راست آن در نقره ساختند و دو حوض‌خانه برای وضو گرفتن زائران و کاروان‌سرای بزرگ نزدیک صحن، اما بیرون از آن برای اقامت زوار پدید آمد. پس از آن شاه فرمان داد که نهر آبی را شاه اسماعیل اول بنیاد کرده بود، بار دیگر اصلاح کنند، اما رساندن آب از آن نهر به نجف ممکن نشد و ناگزیر در جای دیگری قناتی کردند و آب شیرین را تا حرم آوردند<sup>۲</sup>. «شاه عباس در این عمل همه لشکر را وادار کرده بود که همه کار می کردند»<sup>۳</sup>.

وی در زمینه ساخت مسجد، مدرسه، کاروان‌سرا، راه، حمام و... نیز در نجف بسیار کوشید. مسجدهای «عمران» و «الراس» که از مسجدهای بزرگ نجف بودند، بر پایه انگیزه‌های مذهبی و سیاسی شاه عباس و برای اقامت و آرامش طلاب و علمای مذهب تشیع و آوازه جهانی بخشیدن به نجف به نام «دانش‌گاه بزرگ اسلامی»، بازسازی شدند. شاه هم‌چنین مدرسه غرویه را در این شهر بنیاد کرد. این مدرسه که در شمال شرقی صحن مطهر است، بخشی از مجموعه آستانه نجف و از مراکز مهم تدریس و سکونت طلاب به شمار می‌رود<sup>۴</sup>.

۱. لطف ا... هنرفر، گنجینه آثار تاریخی اصفهان، ص ۴۲۰.

۲. آقا سید عبدالله، لؤلؤ صدف فی تاریخ النجف، ص ۶۲ - ۵۹؛ عبود الکوفی، نزهه العری فی تاریخ النجف، ص ۶۲.

۳. محقق و رسی، نجف اشرف در ادوار زمان، ص ۷۳.

۴. انصاری قمی، میراث جاویدان، ص ۷۸ - ۷۷.



او اموال بسیاری را برای نجف و آستان مطهر حضرت علی علیه السلام وقف کرد؛ چنان که موقوفات هیچ‌یک از شاهان صفوی، به اندازه موقوفات او معروف نشد. در وقف نامه‌ای که شیخ بهائی در ۱۰۱۵ (۱۶۰۶ م) آن را فراهم آورد و تنظیم کرد، شاه عباس همه ملک‌ها و حشم خود را وقف کرد و سهم فراوانی را از آن به آستان حضرت علی علیه السلام سپرد. در بخشی از این وقف‌نامه آمده است: «وقف حضرت علی علیه السلام که ثواب آن برای شاه اسماعیل اول است از بابت محصولات قزوین و کاشان و مبلغی محال اصفهان هزار تومان<sup>۱</sup>».

وقف‌نامه دیگری از شاه عباس مربوط به روی داده‌های ۱۰۱۴ (۱۶۰۵ م) هست که آن را نویسنده *قصص الخاقانی* آورد است و از موقوفات این شاه شیعه در عتبات به‌ویژه نجف و از علاقه و احترام ویژه او به نجف خبر می‌دهد. شاه در این سند، به وقف نیمی از حاصل اجاره کاروانسرای صدر میدان نقش جهان و قیصریه (متصل به میدان) و کل بازار و حمام شاهی آن میدان، «در وجه وظیفه و ارتزاق و مدد معاش سادات و ساکنان و متوطنان نجف اشرف» می‌پردازد<sup>۲</sup> و «جمیع جواهر و مرصع آلات و نقره آلات خود را بر مرقد مقدس و مشهد مطهر حضرت امیرالمؤمنین و امام المتقین و سید الوصیین (سلام علیه و آله و اولاده الائمه المعصومین) که از آن چهار قبه مرصع بر ضریح منور نصب شود و طلا آلات را خود به نفس نفیس - انشاءالله تعالی - به زیارت آن عتبه عرش مرتبه مشرف گردد و گنبد اشرف اقدس را از آن مطلا سازد<sup>۳</sup>». او هم‌چنین فرش‌ها و سجاده‌های ایرانی کم‌یاب و بی‌مانندی را که در عصر صفوی در اصفهان بافته می‌شد و در گوشه آنها نوشته شده بود: «وقف کلب عتبات عباس»، برای نجف وقف کرد<sup>۴</sup>.

ناصرالدین شاه قاجار که در سفر خود به عراق عرب (۱۲۸۷ ق / ۱۸۷۰ م) هنگام زیارت امیرالمؤمنین علیه السلام از نزدیک این موقوفات را دید، از کیفیت و مرغوبیت فرش‌های عصر

۱. منجم یزدی، *روزنامه ملاجلال*، ص ۳۰۴.

۲. ولی قلی خان شاملو، *قصص الخاقانی*، ج ۱، ص ۱۹۰ - ۱۸۸.

۳. ولی قلی خان شاملو، همان، ص ۱۹۴ - ۱۹۳.

۴. سعاد ماهر، همان، ص ۳۱۳ - ۳۱۱.



صفوی شگفت‌زده شد و چنین نوشت: «فرش‌های ابریشمی قالی که صفوی؛ یعنی شاه عباس انداخته است و رقم هم دارد (کلب آستان علی عباس) مثل اینکه امروزه از کارخانه درآمده است»<sup>۱</sup>.

او حتی چند لعل گران‌بها را که از خزانه پادشاهان تیموری هند به ایران آورده شده، برای آرام‌گاه حضرت علی علیه السلام وقف کرد و سفارش کرد که صندوقی مرصع از جواهر برای مرقد امیرالمؤمنین بسازند تا آن را به نجف اشرف بفرستند، اما بعد با اجازه روحانیان نذر خود را تغییر داد و خواست که جواهر گران‌بهای آن را بفروشند «و در مصارف شرعیه آرام‌گاه آن حضرت به کار برد»<sup>۲</sup>.

آبادانی‌ها و موقوفات شاه عباس، این شهر مقدس را به بزرگ‌ترین و معروف‌ترین زیارت‌گاه‌های شیعیان بدل ساخت و سبب شد که همه مسلمانان بدان توجه کنند و حتی بسیاری از مسافران اروپایی کنجکاوانه به این سرزمین بروند. خوش‌بختانه این کارها پس از شاه عباس نیز همواره دنبال شده‌اند.

### نتیجه

نجف، شهر مقدس شیعیان که در تاریخ فراز و نشیب‌های بسیاری را گذرانده و گاهی در اوج احترام و گاهی هدف هجوم و غارت دشمنانش بوده است، هم‌زمان با برپایی دولت صفویه و رسمی شدن مذهب تشیع، از دید مذهبی و سیاسی بسیار مهم شد شاهان صفوی بدان توجه کردند؛ چنان‌که در منازعات نظامی روزگار شاه عباس اول و دولت عثمانی، در جایگاه ویژه‌ای نشست و به میدان رقابت آن دو بدل شد. دولت شیعی صفوی و دولت حنفی عثمانی، برای چیرگی بر این شهر و نفوذ در آن تلاش می‌کردند. حفظ امنیت نجف اشرف و دفاع از آن در برابر دست‌اندازی‌های دولت عثمانی، برای شاه عباس اول صفوی بسیار مهم و به مسئله‌ای آبرویی بدل شد و از این‌رو، با چنگ و دندان از این شهر دفاع کرد و به هیچ روی آن را به دشمن نسپرد و حتی درباره‌اش با او مذاکره نکرد.

۱. ناصرالدین شاه قاجار، *سفرنامه عتبات*، ص ۱۲۶.

۲. نصرالله فلسفی، همان، ج ۴، ص ۸۷.

عشق و علاقه شاه عباس اول به نجف اشرف تنها سببی سیاسی نبود و پی‌آمد سیاست مذهبی وی نیز به شمار نمی‌رفت. هرچند او هرگز نمی‌خواست منافع ملی و میهنی کشورش را برای مذهب از دست بدهد، بی‌گمان توجه وی به نجف از علاقه قلبی و وابستگی معنوی‌اش به عتبه مطهر حضرت امیرالمومنین تهی نبوده است؛ چنان‌که همواره خود را «کلب آستان علی» می‌نامید و بهترین اموالش را برای حرم آن حضرت وقف کرد. از سوی دیگر، او آرزو داشت که در این عتبه مطهر و در همسایگی حضرت علی علیه السلام به خاک سپرده شود؛ آرزویی که به گمان قوی، هرگز تحقق نیافت.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی





## کتاب‌شناسی

۱. الاعظمی، علی ظریف (۱۳۵۰)، *کارنامه دولت‌های ایرانی در عراق*، ترجمه محمد بدیع، بی‌جا، چاپ میهن.
۲. آقا سید عبدالله (۱۳۷۹)، *لؤلؤ صدف فی تاریخ النجف*، بی‌جا، چاپ مهربان.
۳. اوزون چارشی لی، اسماعیل (۱۳۶۹)، *تاریخ عثمانی*، ترجمه ایرج نوبخت، تهران، نشر مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
۴. برن، رهر (۱۳۵۷)، *نظام ایالات دوره صفویه*، ترجمه کیکاووس جهان‌داری، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۵. بی‌نا (۱۳۴۹)، *عالم آرای شاه اسماعیل*، تصحیح اصغر منتظر صاحب، تهران، نشر بنگاه و ترجمه کتاب.
۶. ترکمان، اسکندریک (۱۳۵۰)، *تاریخ عالم آرای عباسی*، تصحیح ایرج افشار، تهران، چاپ گلشن.
۷. \_\_\_\_\_ (۱۳۷۱)، *ذیل تاریخ عالم آرای عباسی*، تصحیح سهیلی خوانساری، تهران، چاپ اسلامی.
۸. خراسانی، حاج محمد هاشم (بی‌تا)، *منتخب التواریخ*، تهران، نشر کتابفروشی علمیه اسلامی.
۹. خواجه اصفهانی، محمد معصوم (۱۳۶۸)، *خلاصه السیر*، تهران، نشر علمی.
۱۰. الدجیلی، جعفر هادی (۱۴۱۳ق)، *موسوعه النجف الاشرف*، بیروت، نشر دارالاضواء.
۱۱. سیلوا فیگوئروا، گارسیادو (۱۳۶۳)، *سفرنامه*، ترجمه غلامرضا سمیعی، تهران، نشر نو.
۱۲. شاملو، ولی قلی بن داود قلی (۱۳۷۱)، *قصص الخاقانی*، تهران، نشر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۱۳. عبودالکوفی، شیخ محمد بن شیخ (۱۳۷۱)، *نزه الغری فی تاریخ النجف*، نجف، مطبعه الغری الحدیثه.



۱۴. العزاوی، عباس (۱۹۳۹م)، *تاریخ العراق بین احتلالین*، بغداد، مطبعه الفضیحه الاهلیه.
۱۵. العلوی، حسن (۱۳۷۶)، *شیعه و حکومت در عراق*، ترجمه محمد نبی ابراهیمی، تهران، نشر سوره.
۱۶. فلسفی، نصرالله (۱۳۴۵)، *تاریخ زندگانی شاه عباس*، تهران، نشر دانش گاه تهران.
۱۷. قاجار، ناصرالدین (۱۳۷۲)، *شهریار جاده‌ها*، تهران، نشر سازمان اسناد ملی ایران.
۱۸. کلید دار، محمد حسن مصطفی (۱۳۶۷)، *مدینه الحسین أو مختصر تاریخ کربلا*، بغداد، نشر النجاج.
۱۹. لانگریک، استیون همزلی (۱۳۷۸)، *تاریخ سیاسی و اجتماعی و اقتصادی عراق ۱۹۰۰-۱۵۰۰*، ترجمه اسدالله توکلی و محمدرضا مصباحی، مشهد، نشر آستان قدس رضوی.
۲۰. ماهر، سعاد (۱۱۱۹)، *مشهد الامام علی فی النجف و ما به فی الهدایا و التحف*، قاهره، نشر دارالمعارف بمصر.
۲۱. منجم یزدی، جلال الدین محمد (۱۳۶۶)، *تاریخ عباس یا روزنامه ملاجلال*، بی‌جا، نشر وحید.
۲۲. منجم، کمال (۱۳۴۴)، *تاریخ ملاکمال*، تصحیح ابراهیم دهگان، اراک، چاپ فروردین.
۲۳. هامرپورگشتال، یوزف فون (۱۳۶۷)، *تاریخ امپراطوری عثمانی*، ترجمه میرزا زکی علی آبادی، تهران، نشر زرین.
۲۴. هنرفر، لطف الله (۱۳۵۰)، *گنجینه آثار تاریخی اصفهان*، نشر کتابفروشی ثقفی.
۲۵. هوشنگ مهدوی، عبدالرضا (۱۳۵۰)، *تاریخ روابط خارجی ایران*، تهران، نشر امیرکبیر.
۲۶. وردی، علی (۱۳۶۹)، *لمحات الاجتماعیه فی تاریخ العراق*، بغداد، مطبعه الارشاد.
۲۷. ورسی، محقق (۱۳۷۵)، *نجف اشرف در ادوار زمان*، مشهد، نشر دفتر تحقیقات و انتشارات محب.
۲۸. انصاری قمی، محمدرضا (۱۳۷۳)، «موقوفات ایرانیان در عراق»، *میراث جاویدان*، سال دوم، شماره پنجم.